



ابوالقاسم نباتی، شاعری که نامش با شیدایی گره خورده

نام نباتی به همان شیرینی اشعار اوست. اشعاری که ترکی و فارسی بر قلم توانایش جاری شده و او را توامان در اوج قله شعر ترکی و فارسی قرار داده‌اند.

نام نباتی به همان شیرینی اشعار اوست. اشعاری که ترکی و فارسی بر قلم توانایش جاری شده و او را توامان در اوج قله شعر ترکی و فارسی قرار داده‌اند.

به گزارش **خبرگزاری فارس** از تبریز، اشتبین، روستای زیبایی در دل طبیعت در هم تنیده ارسباران است، با نگرینی از کلام که مانند ترنم باران بر این دیار پربرکت باریده است؛ به جز یک مقصد بی‌نظیر برای سفر، اینجا روستای باشکوه سید ابوالقاسم نباتی نیز هست. نامش سید ابوالقاسم بود، فرزند میر یحیی. مردم سید محترم نیز صدایش می‌کردند، شوریدگی‌اش باعث شد تا مجنون شاه نیز لقب بگیرد. همه اینها «نباتی» هست و «نباتی» فقط این نیست. او چشمه‌ای است که در دل کوه‌های سر به فلک کشیده لب به سخن گشود و جوشید و جوشید و اوستبین و آذربایجان و ایران و کل جهان را شهداگین کرد. سید ابوالقاسم نباتی شاعری به بلندای کوه‌های آذربایجان، به عظمت ارسباران و به لطافت گل‌هایی است که همیشه بر دشت‌های فراخ این منطقه می‌رویند. نام نباتی به همان شیرینی اشعار اوست. اشعاری که ترکی و فارسی بر قلم توانایش جاری شده و او را توامان در اوج قله شعر ترکی و فارسی قرار داده‌اند. این نور خوش نوا که صدایش را سال‌هاست عاشیق‌ها با سوز سازشان در دشت و کوه و دمن سر داده‌اند، زاده محیطی کوچک اما با صفاست و پس از سالیان به دامن همین سادگی برگشته و در اشتبین زیبا به آرامی آرمیده. **تا کی بنیاد ایلرم رخسار جانانان حدیثائیله بیل کیم ایلرم گولزار جانانان حدیثغافیل اولما ناله شگیر و آه صبدنواصل اول دلاره آز الت شام هیجرانان حدیثهای راه حقیقت مرشد صاحب نظر نقطه پرگار عالم بحر عرفانان حدیثخسرو شیرین و فرهادی نظامی دن سوروشکیم « نباتی» دائم اقیار شاه مردانان حدیثکلام نباتی را باید با نوا شنید. نوایی روح بخش و جانفزا که از صلابت و لطافت توامان سخن می‌گوید. او عشق و ادب و عرفان و اخلاق را چنان در هم آمیخته که معجونی خوشگوار را می‌ماند و با اندک تلنگری، آرامش بخش روح و ذهن می‌گردد. می‌گوید؛ با صلابت و در عین حال آرامش... می‌گوید؛ از امروز و دیروز و فردا ... می‌گوید، از هر آنچه که همه می‌دانیم و در رشته کلام زنجیر نکرده‌ایم... نباتی اما خودبین و خودستا نبود. دیوان حافظ شیرین سخن، کلام آتشین مولانا جلال الدین و اشعار بیداری آور حکیم عمر خیام همراهان همیشگی او بوده‌اند. این عارف، در بحرطویل خود کلام را با نام حق جل جلاله آغاز می‌دارد و می‌گوید: « منبع چشمه هر کلمه که جاری شود از نطق و بیان و کلام و زبان، اسم خداوند عظیم است... » نباتی شیرین بیان اشعار فراوانی در قالب‌های غزل و قصیده و مخمس و رباعی و ساقی‌نامه به زبان ترکی و فارسی دارد که هنوز هم به سان قله‌های مرتفعی در میان سایر اشعار شاعران خود نمایی می‌کنند. عاشقانه‌های نباتی تفاوت چندانی با عارفانه‌هایش ندارد و به همان شیرینی و دلنشینی است. مهم نیست ترکی بدانی یا ندانی، مهم این است که لحظه‌ای دل بدهی به آنچه می‌شنوی تا صدای خروش ارس و طنین باد در سهند و هوهوی باد در درختان ارسباران و زخمه عاشیق را بشنوی ... باید رفت و دید ... دید که کلام شکرین نباتی در چه آرامشی روی در نقاب خاک کشیده و پس از سال‌ها ذکر و نیایش و نگارش، چگونه آرامش بخش یاد و ارستگان شده است. این شاعر شوریده که به مجنون شاه هم شهرت دارد، سال‌هاست همچنان از بالای تپه‌ای مشرف به روستا، به اشتبین می‌نگرد.**

مردم روستا خاطرات زیادی را در مورد نباتی سینه به سینه حفظ کرده‌اند، و می‌گویند نباتی روستای سرسبزش را خیلی دوست داشته، آنجا متولد شده و در همان جایی به خاک سپرده شده که در زمان زندگی‌اش می‌نشسته و شعر می‌گفته: **ای گرفته از رخت خورشید عالم گیر نورچند از خاک درت باشم من مهجور دورگر بگویم رفت سودایت ز سر ، باور مکتروز محشر با غم عشق تو بر خیزم ز گور** شعرهای نباتی به زبان فارسی و آذری، هنوز هم نقل مردمان اشتبین است و در روستا کمتر کسی را پیدا می‌کنید که برای شما حرفی از شیدایی و مقامات معنوی و اشعار شورانگیز نباتی نداشته باشد؛ «ابوالقاسم» از نام‌های محبوب و متداول برای پسران روستاست. می‌گویند نباتی از دست پیر خود شاخه نباتی هدیه گرفته و راز تخلص نباتی نیز در همین است. مقبره نباتی بر روی تپه‌ای آن سوی رودخانه که در پایین‌ترین قسمت روستا جاری است، واقع شده و یکی از دیدنی‌های روستای اشتبین است. جسم ابوالقاسم نباتی در زادگاهش، اشتبین زیبا به خاک سپرده شده اما روح وسیع و لطیفش بی‌شک در کنار تمام کسانی است با خواندن اشعار دلپذیرش یاد او را زنده نگاه می‌دارند... اینجا دیار زیبایی است، آنقدر آرام و باشکوه که می‌توان از لابه لای نوای پیچیدن باد در میان درختانش، صدای شیخ ابوالقاسم نباتی را شنید که می‌خواند: **سنودیکیم گولزلرین آلدی جانیمی، یاغی قمزه لرین قانیمی توکر، دوشسه هرکیم، داخی پیخماز توروندان، گوروم بو زولف دیر یا کی مشک تر؟**

نگارنده: فرینوش اکبرزاده